Payamdaily.ir

پیام آشنا

نخستین روزنامه صبح البرز

شماره ۲۹۰۷
چهارشنبه / ۳ دی / ۱۴۰۴
۳ / رجب / ۱۴۴۷
24 / December / 2025

صاحب امتیاز: موسسه همگامان اندیشه زمان
مدیرمسئول: محمود حیدری، سردبیر: بافره حیدری
نشانی: کرج، بلوار کاوین، خیابان فرهنگ، جنب کانون کارشناسان رسمی دادگستری
تلفن: ۳۲۵۳۴۴۴۳-۳۲۵۳۸۳۸۸-۰۲۶ فکس: ۳۲۵۳۰۱۰۱
امتیاز در طرح ارزیابی کیفی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۶۷۱۸۰
چاپ: کارگر

غزل ۲۰۷

امروز با حافظ

یـاد بـاد آن که سـرِ کـویِ تـوام منـزل بود
دیده را روشنی از خاکِ درت حاصل بود
راست چون سوسن و گل از اثرِ صحبتِ پاک
بـر زبـان بود مـرا آن‌چه تو را در دل بود

غزل

به چشم معرفت در راه بین، آنگاه سالک شو
که خواب آلوده نتوان یافت عمر جاودانی را

پروین اعتصامی

اوقات شرعی

اذان صبح	طلوع آفتاب	اذان ظهر	غروب آفتاب	اذان مغرب
۵:۴۳	۰۷:۱۴	۱۲:۰۶	۱۶:۵۸	۱۷:۱۸

برگه

اغلب شکست‌های زندگی برای افرادی رخ داده که موقع تسلیم شدن نمی‌دانستند چقدر به موفقیت نزدیک شده‌اند...

توماس ادیسون

گزارش روز

سقوط بالگرد شهید رئیسی با شلیک جدید خودی‌ها!

آنچه امروز با استناد به یک کتاب مشکوک در خطبه‌ها یا تولیت‌ها یا مصاحبه‌هایی درباره سقوط بالگرد آیت الله رئیسی مطرح می‌شود، بیش از آنکه پاسخ واقعی و مستند به یک «راز» باشد، بخشی از نبرد روایت‌هاست. اسرائیل قرار نیست اسرار واقعی عملیات‌های خود را منتشر کند؛ آنچه منتشر می‌شود، نسخه‌ای مهندسی‌شده از «قدرت» است، نه خود قدرت.

به گزارش پیام آشنا به نقل از تورنیوز، سقوط بالگرد آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور فقید ایران، از همان ساعات نخست حادثه، فراتر از یک سانحه هوایی، میدان وسیعی از روایت‌ها را آفرید. روایت رسمی که حاصل بررسی‌ها و تحقیقات کارشناسان ستاد کل نیروهای مسلح کشور بود، بر «حادثه در شرایط بد جوی» تأکید کرد و شواهدی بر مداخلات خارجی در این ماجرا نیافت. اما در ماه‌های بعد، گمانه‌زنی‌ها، تحلیل‌ها و تفسیرهای غیررسمی، لایه‌ای دیگر بر این واقعه افزودند. اکنون با ارجاع آیت‌الله احمد علم‌الهدی در خطبه‌های نماز جمعه مشهد به کتابی با عنوان «رایحه مرگ» کتابچه راهنمای عملیات مهلک موساد داخل ایران»، و اعلام تروریستی بودن حادثه سقوط بالگرد رئیس جمهور، این پرونده بار دیگر به صدر افکار عمومی و محافل رسانه‌ای بازگشته است.

اکنون فعالان حوزه خبر و سیاست می‌پرسند که انتشار کتابی که ادعای افشاگری درباره ماهیت آن سقوط دارد، اقدامی در مسیر پاسخ‌گویی واقعی به یک پرسش امنیتی بزرگ است یا اینکه می‌تواند حلقه‌ای جدید در نبرد ادراکی رژیم صهیونیستی باشد؟ به بیان دیگر، اکنون مسئله مهم و حساس این است که چرا باید چنین کتابی اصلاً منتشر شود، در حالی که اسرائیل معمولاً در چنین مواقعی موضع‌گیری روشن و گویایی ندارد؟ و مهم‌تر اینکه چرا باید چنین کتابی به‌گونه‌ای نوشته شود که هم ادعای عملیات را مطرح کند و هم هیچ مسئولیت رسمی و قابل پیگیری‌ای را نپذیرد؟

چرا اسرائیل باید «افشا» کند؟

کتاب «رایحه مرگ» ادعایی بزرگ دارد: روایت جزئیات فنی و اطلاعاتی عملیات‌های موساد در ایران، از جمله سقوط هلیکوپتر رئیس‌جمهور. اما با کمی دقت، خود کتاب به یک معما تبدیل می‌شود. نویسنده‌ای ناشناخته، ناشری خصوصی و بی‌اعتبار، اطلاعات کتاب‌شناختی مخدوش، و مهم‌تر از همه، زمانی که سرشار از قید «احتمالاً»، «ممکن است» و «می‌توانست» است.

این ویژگی‌ها، کتاب را از جنس یک گزارش اطلاعاتی یا افشاگری محققانه زورنالیستی خارج می‌کند و به متنی نزدیک می‌سازد که در ادبیات امنیتی به آن «روایت‌سازی پسینی» می‌گویند؛ روایتی که نه برای اثبات حقیقت، بلکه برای کاشت تردید، القای توانمندی و بازتعریف حافظه جمعی تولید می‌شود.

پرسش کلیدی همین جاست: اسرائیل، به‌ویژه موساد، نهادی است که به ابهام، سکوت و انکار شهره است. در بسیاری از عملیات‌های منسوب به این سازمان —از ترور دانشمندان هسته‌ای تا عملیات‌های برون‌مرزی— نه تأیید رسمی وجود دارد و نه پذیرش علنی مسئولیت. پس چرا در این مورد خاص، باید کتابی منتشر شود که حتی به‌طور غیرمستقیم، شیوه‌های عملیاتی را توضیح دهد؟ پاسخ را باید نه در منطق «افشای عملیات»، بلکه در منطق جنگ ادراکی جست‌وجو کرد.

در جنگ‌های مدرن، افشاگری همیشه به معنای لو دادن نیست. گاهی افشا دقیقاً ابزار عملیات است. وقتی متنی منتشر می‌شود که از توان نفوذ سایبری و الکترونیک سخن می‌گوید، بر ضعف ساختاری و فرسودگی سیستم‌ها تأکید می‌کند و همزمان هیچ سند قطعی ارائه نمی‌دهد، معلوم است که هدف اصلی، نه اطلاع‌رسانی، بلکه اثرگذاری ذهنی است. اسرائیل با چنین روایت‌هایی چند پیام را همزمان مخابره می‌کند: اولاً اینکه ما می‌توانیم حمله کنیم؛ حتی در بالاترین سطوح حاکمیتی. ثانیاً هیچ‌چیز شما قطعی نیست؛ حتی روایت رسمی تان. و ثالثاً شک را جایگزین یقین کنید؛ این خود بزرگ‌ترین پیروزی ادراکی برای دشمن است. در این چارچوب، کتاب «رایحه مرگ» نه یک سند تاریخی، بلکه بخشی از یک سناریوی بازدارندگی روانی است.

تریبون‌های داخلی در دام روایت‌سازی دشمن

نکته حساس‌تر آنجاست که چنین روایت‌هایی، وقتی از تریبون‌های رسمی یا نیمه‌رسمی داخلی بازتولید می‌شوند، ناخواسته به تکمیل عملیات ادراکی دشمن کمک می‌کنند. نه الزاماً به این دلیل که گوینده نیت منفی دارد، بلکه چون زمین بازی، زمین طراحی‌شده طرف مقابل است. وقتی بدون ارائه شواهد قابل اتکا و متقن، روایت ترور تقویت می‌شود، در وهله نخست روایت رسمی نهادهای مرجع کشور دچار تزلزل می‌شود؛ و به این ترتیب دستگاه‌های مسئول ناخواسته در موضع دفاعی قرار می‌گیرند و نهایتاً افکار عمومی میان «حادثه» و «ترور پنهان» معلق می‌ماند. این همان وضعیت تعلیقی است که جنگ شناختی و ادراکی به‌دنبال آن است؛ وضعیتی که در آن، هیچ روایتی کاملاً پذیرفته نمی‌شود.

پرسش ساده اما تعیین‌کننده درباب این موضوع این است که اگر واقعاً شواهد قاطعی از ترور وجود داشت، چرا نهادهای مسئول کشور هیچ‌گاه بطور رسمی اعلام نکردند؟ در منطق سیاست و امنیت، اعلام چنین موضوعی نه تنها هزینه‌بردار نیست، بلکه می‌تواند دستاورد سیاسی، حقوقی و حتی بین‌المللی ایجاد کند و تأیید دیگری بر مجاز بودن دشمن باشد. سکوت رسمی، بیش از هر چیز، نشان می‌دهد که سطح شواهد، از حد تحلیل فراتر نرفته است.

آنچه امروز با نام یک کتاب، یک خطبه یا یک مصاحبه مطرح می‌شود، بیش از آنکه پاسخ به یک «راز» باشد، بخشی از نبرد روایت‌هاست. اسرائیل قرار نیست اسرار واقعی عملیات‌های خود را منتشر کند؛ آنچه منتشر می‌شود، نسخه‌ای مهندسی‌شده از «قدرت» است، نه خود قدرت. در چنین شرایطی، هوشمندی رسانه‌ای و امنیتی ایجاب می‌کند که اولاً میان امکان فنی و وقوع واقعی تفاوت گذاشته شود؛ ثانیاً هر متنی با برچسب «افشاگری» به‌عنوان سند پذیرفته نشود؛ و مهم‌تر از همه، زمین بازی روایت‌ها آگاهانه انتخاب شود. در جنگ ادراکی، گاهی خطرناک‌ترین سلاح، نه موشک و پهپاد، بلکه داستانی است که خوب تعریف می‌شود.

اشاره

واقعا سکه‌های ۲۵ تومانی را میلیونی می‌خرند؟

بعد از ماجرای جیوه قرمز چرخ خیاطی‌های قدیمی، حالا نوبت به سکه‌های ۲۵ تومانی رسیده است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از همشهری، تب خرید سکه‌های ۲۵ تومانی باز هم در میان ایرانی‌ها بالا گرفته است و بعد از بحث داغ جیوه قرمز چرخ خیاطی‌های قدیمی، حالا قیمت‌های نجومی این سکه‌ها نبض بازار عتیقه را به دست گرفته است. یکی از قیمت ۲۵میلیون تومانی این سکه‌ها خبر می‌دهد و دیگری با تأکید بر سال تولید، چند میلیونی بر قیمت قبلی اضافه می‌کند. این زنجیره می‌چرخد و می‌چرخد و از بازارهای خیابانی عتیقه‌فروشی تا سایت‌های اینترنتی خرید و فروش را از آن خود می‌کند. داستان علاقه ایرانی‌ها به این سکه‌ها و شایعات پیرامونش وقتی عجیب‌تر می‌شود که بدانیم برخلاف تصور رایج، قلزهای به کار رفته در سکه‌های ۲۵ تومانی ارزش چندانی ندارند و خود سکه‌ها نیز تنها در یک صورت برای کلکسیون‌دارها جذاب هستند که به قول کهنه‌کارهای صنف عتیقه‌فروش‌ها «بسته‌بندی بانکی آنها باز نشده و در دست تجرخیده باشد.» با وجود تمام نکات پشت پرده این سکه‌ها اما واقعیت این است که هنوز مردم کوچه‌وبازار خیال می‌کنند که سکه‌های پر از خط و خش ۲۵ تومانی می‌تواند مانند یک معجزه زندگی‌شان را زیر و رو کند و همین امیدواری کاذب است تا در یک شب، زنان و مردانی که سکه‌های چند تومانی را به رسم یادگار در صندوق نگه‌داشته بودند، به خروشنده این یادگاری‌ها تبدیل شوند.

راز محبوبیت ضرب‌شده‌های سال ۸۰

داستان سکه‌های ضرب شده در دوران معاصر یک‌خطی نیست و به راحتی نمی‌توان در مورد راست و دروغ بودن داستان قیمت‌های میلیونی آنها حکم صادر کرد. برای اینکه اصل ماجرا مشخص شود، به سراغ علی رزمم یکی از چهره‌های معروف اینستاگرام و البته شهر اصفهان رفتیم که به عنوان یک عتیقه‌فروش شناخته شده، گالری فروش سکه، اسکناس و سند دارد. او برای اولین بار راز محبوبیت سکه‌های ۲۵ تومانی را فاش کرد: «سکه‌ها از قدیم قیمت داشتند اما برای بعضی سکه‌ها ماجرا کمی متفاوت است.» براساس توضیحات علی رزمم، باید بدانیم که بعضی از سکه‌ها به دلیل محدودیت در تعداد ضرب (که معمولا مخصوص سال خاصی می‌شوند) در میان کلکسیون‌دارها محبوبیت خاصی دارند چرا که در دسترس همه نیستند: «سکه ۲۵ تومانی در سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۲ ضرب شد اما بانک مرکزی در سال ۱۳۸۰ تیراژ خیلی پایین به گمانم کمتر از ۱۰۰ هزار تا ضرب کرد. همین تعداد پایین باعث شد تا سکه‌های ۲۵ تومانی سال ۱۳۸۰ مشتری داشته باشند.»

۲ سکه قیمتی در ۴ دهه اخیر

وقتی حرف از سکه‌های ارزشمند می‌شود باید گفت که برای کلکسیون‌دارها ۲ سکه ضرب شده از سوی بانک مرکزی در دوره جمهوری اسلامی هستند که از لرج و قرب خاصی برخوردارند: سکه یک ریالی و سکه ۲۵ تومانی. به گفته این فعال بازار عتیقه، ماجرای ارزش این سکه‌های یک‌ریالی هم مانند سکه‌های ۲۵ تومانی می‌شود، یعنی باز هم بحث تعداد ضرب اندک در میان است و هیچ ارتباطی به آلیاژ سکه‌ها ندارد: «سکه‌های یک‌ریالی سال ۱۳۷۶ سکه‌های گرانی هستند که مثل سکه‌های ۲۵ تومانی سال ۱۳۸۰ خاطر خواه زیادی دارند. باقی سکه‌های این بازه زمانی گران و کمیاب نیستند و در بازار موجودند. کل سکه‌هایی که از زمان جمهوری اسلامی ضرب شده‌اند به قیمت ۲۵ میلیون تومان و با کیفیت بانکی قابل تهیه هستند و این ۲ سکه که گفتم قیمتشان بالاست.» ماجرای سکه یک‌ریالی سال ۱۳۷۶ هم به تعداد ضرب پایین برمی‌گردد چرا که «در سال ۱۳۷۶ که آخرین دوره ضرب این سکه بود، فقط ۶هزار تا ضرب شد و الان هم این سکه‌ها به قیمت ۸ میلیون تومان خرید و فروش می‌شوند. باز هم می‌گویم که بحث کیفیت بانکی است و سکه‌های این سال دست مردم نیست.» نکته مبهم در مورد نحوه دسترسی به سکه‌های کیفیت بانکی و بسته‌بندی شده (که بین مجموعه‌دارها رد و بدل می‌شود) مربوط به حلقه اول افرادی است که به این سکه‌ها دسترسی پیدا کرده‌اند. موضوعی که به گفته این کارشناس سکه با داستان‌های مگو و دلال‌های خاص گره خورده است.

فقط دنبال کیفیت بانکی هستیم

خبر فروش سکه‌های ۲۵ تومانی در شبکه‌های اجتماعی چنان پر و بال گرفته است که این موضوع را به بحث داغ میان کاربران شبکه‌های اجتماعی تبدیل کرد. برخی گمان می‌کنند که در مورد این سکه‌ها بحث بر سر آلیاژ است اما اصل ماجرا با این موضوع هیچ ارتباطی ندارد. این کارشناس و فروشنده سکه در این رابطه توضیح داد: «اینکه خبر می‌رسد بعضی از این سکه‌های ۲۵ تومنی با قیمت چند میلیون خرید و فروش می‌شوند، هیچ ارتباطی به قلزات به کار رفته در سکه ندارد. آخر این میزان آنقدر نیست که بخواهد ارزشمند باشد.» او با به کار بردن اصطلاح «کیفیت بانکی» که در میان عتیقه‌فروش‌ها رایج است، تلاش می‌کند تا پشت پرده قیمت‌های چند میلیونی سکه‌های ۲۵ تومانی ضرب شده در سال ۱۳۸۰ را عیان کند: «اینکه بعضی‌ها می‌گویند این سکه‌ها میلیونی قیمت دارند، حرف بیراهی نیست اما خبه نکته دارد. خود من چند ماه پیش، چندتا سکه ۲۵ تومانی سال ۸۰ را ۴ تا ۵ میلیون تومان تروختم که کیفیت بانکی داشتند یعنی از بسته‌بندی بانک مرکزی باز نشده و دست مردم تجرخیده بودند.» توضیحات این عتیقه‌فروش از این نظر مهم است که آب پاکی را بر دست مردم عادی ریخت: تا وقتی خبر سکه‌های ۲۵ تومانی با قیمت میلیونی در قضای مجازی، داغ می‌شود، بدانند که منظور، سکه‌های جا مانده از کیف پول‌های قدیمی نیست.

از جیوه قرمز تا سکه‌های نجومی

ماجرای سکه‌هایی که تا همین چند وقت پیش در کیف پول ایرانی‌ها جای داشتند و کم‌کم از چرخه بدهبستان‌های مالی روزمره خارج شدند، با هیجان به دست آوردن پول هنگفت در یک شب گره خورده است.

همانقدر که سال پیش، داستان جیوه قرمز در چرخ خیاطی‌های قدیمی سر از شبکه‌های اجتماعی درآورد و هر ایرانی را به یک جست‌وجوگر چرخ خیاطی قدیمی تبدیل کرد، اکنون نیز شاهد هستیم که هراز گاهی داستان‌های خیالی در مورد سکه‌های ضرب شده در دهه‌های معاصر، تکرار می‌شود.

بازار این دست شایعات آنقدر داغ است و طرفدار دارد که برخی از این روش برای گرفتن بازدید بیشتر در شبکه‌های اجتماعی و سوء استفاده از ناآگاهی مردم بهره می‌برند. به گفته علی رزمم «این قضایا می‌تواند، باعث کلاهبرداری شود. در این کاری که ما هستیم، انواع و اقسام تقلب و جعل وجود دارد. همین سکه یک‌ریالی که گفتم، شاید باورش سخت باشد اما چندسالی می‌شود که نسخه جعلی این سکه را یکی در چین زده و به ایران آورده. تشخیص این کار هم فقط از دست حرفه‌ای‌ها برمی‌آید.»

از نظر این فعال بازار عتیقه «این قضاسازی‌ها وقتی شدت می‌گیرد که وضع اقتصادی خراب می‌شود و مردم در گرانی دنبال این می‌روند که یک پول بادآورده‌ای را به دست بیاورند، مثل همان ماجرای جیوه قرمز چرخ خیاطی که دروغ بود و مردم را سرکار گذاشتند. مردم یک دفعه تکر می‌کنند آن چیزی که توی زیرزمین و انباری‌شان دارند، خیلی ارزش دارد و باید تبدیل به پول شود».

برش

راز خط‌های سفید در آسمان تهران چیست؟

خطوطی که در زبان عامه «رد هواپیما» نامیده می‌شوند، در متون تخصصی هواقضا و هواشناسی تحت عنوان «خطوط تراکمی» یا کنتریل (Contrail) شناخته می‌شوند که مخفف عبارت Condensation Trail است.

به گزارش پیام آشنا به نقل از دنیای اقتصاد، این پدیده در ابتدا توسط بسیاری از شهروندان و کاربران فضای مجازی به عنوان آزمایش‌های موشکی جدید یا فعالیت‌های پدافندی تعبیر شد. با این حال برخی خبرگزاری‌های رسمی با استناد به منابع آگاه نظامی و کارشناسان هواشناسی، هرگونه آزمایش موشکی را در این تاریخ تکذیب کرده و این خطوط را ناشی از عبور هواپیماهای تجاری در ارتفاعات بالای جو دانستند. برای درک دقیق چرایی وقوع این پدیده در این بازه زمانی خاص از سال، ضروری است که تعاملات پیچیده میان مکانیک موتورهای جت، ترمودینامیک آسمفر در فصل زمستان و ویژگی‌های اپتیکی که منجر به خط‌های ادراکی در ناظران زمینی می‌شود، با رویکردی علمی و تخصصی مورد واکاوی قرار گیرد.

راز خطوط سفید پشت هواپیماها: علم چه می‌گوید؟

خطوطی که در زبان عامه «رد هواپیما» نامیده می‌شوند، در متون تخصصی هواقضا و هواشناسی تحت عنوان «خطوط تراکمی» یا کنتریل (Contrail) شناخته می‌شوند که مخفف عبارت Condensation Trail است. تشکیل این خطوط صرفاً یک پدیده بصری نیست، بلکه نتیجه یک فرآیند تبدیل فاز فیزیکی در لایه‌های فوقانی تروپوسفر است. موتورهای جت هواپیماهای مسافربری، عمدتاً از نوع توربوفن، در فرآیند احتراق سوخت هیدروکربنی، مقادیر زیادی بخار آب، دی‌اکسید کربن و ذرات معلق (دوده و ترکیبات گوگردی) را به عنوان محصولات جانبی به محیط اطراف تزریق می‌کنند.

تشکیل کنترایل تابع مستقیم «معیار شمیت-ایلمن» (Schmidt-Appleman Criterion) است. طبق این قانون فیزیکی، زمانی که گازهای خروجی داغ و مرطوب موتور با هوای محیط که دمای بسیار پایینی دارد مخلوط می‌شوند، رطوبت نسبی مخلوط هوا و گاز به سرعت افزایش یافته و از نقطه اشباع نسبت به آب مایع فراتر می‌رود. در ارتفاعات کروز هواپیماهای تجاری، که معمولاً بین ۲۸ هزار تا ۴۰ هزار پا (حدود ۸.۵ تا ۱۲ کیلومتر) متغیر است، دمای محیط در این فصل از سال غالباً بین ۴۰- تا ۶۰- درجه سلسیوس نوسان می‌کند. در چنین شرایطی، بخار آب تزریق شده به سرعت روی ذرات معلق خروجی از موتور (که به عنوان هسته‌های میعان عمل می‌کنند) تقطیر شده و بلافاصله به بلورهای یخ تبدیل می‌شود.

چرا آسمان پاییز و زمستان خط‌خطی‌تر است؟

پرسش کلیدی شهروندان مبنی بر اینکه چرا در این موقع از سال این خطوط بیشتر دیده می‌شوند، ریشه در ساختار فصلی آسمفر ایران دارد. در اواخر پاییز و اوایل زمستان، ارتفاع تروپوپاز (مرز میان تروپوسفر و استراتوسفر) در عرض‌های جغرافیایی میانی مانند تهران کاهش می‌یابد. این کاهش ارتفاع به معنای آن است که هوای سردتر در سطوح پایین‌تری در دسترس موتورهای هواپیما قرار می‌گیرد.

گفتنی است که قوانین هوانوردی بین‌المللی برای حفظ ایمنی، هواپیماها را ملزم به رعایت فاصله عمودی ۱۰۰۰- پایی در سیستم RVSM (Reduced Vertical Separation Minimum) می‌کنند. این موضوع باعث می‌شود که در یک مسیر هوایی واحد، چندین خط تراکمی در ارتفاعات مختلف تشکیل شود. از دید ناظر زمینی، این خطوط ممکن است موازی یا متقاطع به نظر برسند و شبکه‌ای سفیدرنگ را در آسمان ایجاد کنند. در واقعه اول دی‌ماه، به دلیل پایداری فوق‌العاده جو، ردهای مربوط به پروازهایی که با فاصله زمانی ۲۰ دقیقه‌ای از هم عبور کرده بودند، همچنان در آسمان باقی مانده و در کنار ردهای جدید، منظره‌ای غیرعادی و متراکم را پدید آوردند.

چرا کنترایل شبیه موشک دیده می‌شود؟

یکی از چالش‌برانگیزترین ابعاد رخداد اخیر، اصرار کاربران بر «عمودی» بودن حرکت اجسام مولد این خطوط بود. این موضوع ریشه در فیزیک اپتیک و اثرات پرسپکتیو دارد که در زمان‌های خاصی از شبانه‌روز تشدید می‌شود.

زمانی که یک هواپیما در ارتفاع ۱۰ کیلومتری مستقیماً به سمت ناظر حرکت می‌کند، به دلیل انحنای زمین و زاویه دید، رد آن از افق برخاسته و به سمت بالای سر ناظر صعود می‌کند. این هندسه پروازی باعث می‌شود که مغز انسان، مسیر افقی هواپیما را به عنوان یک صعود عمودی از زمین تعبیر کند. این پدیده دقیقاً مشابه حرکت یک قطار در یک مسیر مستقیم طولانی است که به نظر می‌رسد در انتهای افق به یک نقطه می‌رسد؛ در آسمان، این نقطه در نزدیکی افق قرار دارد و حرکت به سمت ناظر، توهم صعود موشکوار را ایجاد می‌کند.

زمان مشاهده این پدیده (اوایل صبح) نقش حیاتی در تقویت شایعات داشت. در این ساعت، خورشید هنوز از دید ناظر زمینی طلوع نکرده یا در ارتفاع بسیار پایینی قرار دارد، اما در ارتفاع ۳۰ هزار پایی، نور خورشید مستقیماً به بلورهای یخ کنترایل برخورد می‌کند. این موضوع باعث درخشش شدید و رنگ‌های نارنجی یا سفید براق در ردها می‌شود، در حالی که آسمان زمینه همچنان تاریک است. این تضاد نوری، حجم و غلظت رد را بسیار بیشتر از آنچه هست نشان می‌دهد و آن را شبیه به خروجی موتورهای پرقدرت موشکی می‌کند.